

نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه

دکتر زاهدی مازندرانی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور

چکیده

در این بحث نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه مورد نظر است. سؤال اساسی این است که محتوای این سند متناسب با واقعیات کنونی جامعه‌ی ایران تدوین شده است یا برای جهانی خیالی است؟ آیا تدابیر مطرح‌شده در آن برای حل مشکلات جامعه‌ی ایران کارگشاست؟ مسیر حرکت و آینده‌ی جامعه‌ی ایران را چگونه و به مدد کدام مجموعه از پژوهش‌های علمی به تصویر کشیده است؟

نقد: این سند هیچ اتکایی به وضع موجود ایران ندارد، تدابیر آن معطوف به مشکلات احصاشده‌ی معین و خاصی نیست، بلکه صرفاً کلی‌گویی‌هایی مبتنی بر شعور عام است. روند و مسیر حرکت جامعه‌ی ایران و آینده‌ی این جامعه را به صورتی روشن و قابل درک به تصویر نکشیده است و در نهایت این سند گویا برای جهانی خیالی است؛ زیرا متناسب با واقعیات جامعه‌ی ایران نیست و غیرکاربردی و غیراجرایی به نظر می‌رسد.

مقدمه

سند الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت که توسط مرکز اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین شده، اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق آرمانی کشور ایران در پنج دهه‌ی آینده را ترسیم کرده و برای دستیابی به یک جامعه‌ی آرمان‌شهری طراحی شده است. این سند مربوط به ۵۰ سال آینده‌ی زندگی در کشور است و در واقع تصویرگر سرنوشت شهروندان کشور است، اما متأسفانه کاملاً مبهم است و واقع‌بینانه، کارگشا و امیدبخش نیست.



متن سند

سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت که توسط مرکز اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین شده، ۱۰ برگ و حدود ۳۵۰۰ کلمه دارد و از ۶ قسمت تشکیل شده است که مشتمل‌اند بر

۱. مبانی جهان‌شناختی
۲. مبانی دین‌شناختی
۳. مبانی خداشناختی
۴. مبانی انسان‌شناختی
۵. مبانی جامعه‌شناختی
۶. مبانی ارزش‌شناختی

قسمت خیلی کوتاهی از سند آرمان‌ها را بازگو می‌کند، قسمتی هم رسالت را بیان می‌کند که ذیل عنوان رسالت، تفکر اسلامی مربوط به برقراری جامعه و حکومت اسلامی را بیان کرده و قسمتی دیگر افق را نشان می‌دهد که در چارچوب آن خطوط کلی یک جامعه‌ی اسلامی را برای ۵۰ سال آینده تبیین می‌کند و قسمتی دیگر هم به تدابیر اختصاص داده شده که ۵۶ مورد را در بر می‌گیرد. کلیه‌ی موارد آورده‌شده ذیل عنوان تدابیر بسیار مختصر و مجمل‌اند و از حداقل نیم سطر تا حداکثر فقط سه سطر را شامل می‌شوند و طبیعی است که با چنین حجم مختصر و موجزی فاقد صراحت کافی و وجوه استدلالی اقناع‌کننده باشند.

در قسمت‌های اساسی سند که همان مبانی است، تنها آموزه‌های دینی - اسلامی بازگو و تصویر شده است؛ در حالی که به جنبه‌ی اصلی مورد نیاز یک سند توسعه‌ای، یعنی اصول و چارچوب علمی و الزامات این عناوین توجهی نشده است. در واقع اگر نیک بنگریم، در مجموع از حدود ۳۵۰۰ کلمه‌ی این سند ۵۳ درصد شرح آموزه‌های دینی و ۴۷ درصد مربوط به تدابیر است. قسمت تدابیر تنها بخش برنامه‌ای متعارف این سند است که البته اشکالات حرفه‌ای و علمی فراوانی هم از حیث اصول برنامه‌ریزی توسعه و الزامات علمی مرتبط با حوزه‌ها و رشته‌های علمی ذی‌ربط (جامعه‌شناسی، اقتصاد، روانشناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی، سیاست و دیگر رشته‌های مشابه) به آن وارد است.

عنوان سخنرانی حاضر نقد سند از منظر الزامات توسعه است، اما حقیقت این است که این سند به طور کلی از منظر الزامات توسعه قابل نقد نیست و این مربوط به ترمینولوژی نامناسبی است که در آن به کار گرفته شده است. در سند از اصطلاح «پیشرفت» استفاده شده که این واژه یک اصطلاح قدیمی قرن هفدهمی است و امروزه بار علمی و فنی قابل اجماعی ندارد. به این معنی که یک اصطلاح خنثاست و فقط تجسمی تاریخی از تحول و دگرگونی را به ذهن

متبادر می‌کند. در واقع کلمه‌ی پیشرفت به عمل پیش رفتن دلالت دارد که نه الگو برمی‌دارد و نه نظریه‌ی معینی از آن پشتیبانی می‌کند. در حالی که «توسعه» اصطلاحی علمی و قرن بیستمی است که دارای مدل، الگو، روش، چارچوب مشخص، پارادایم و نظریه است.

در واقع وقتی از توسعه حرف می‌زنیم، باید معلوم باشد که در کدام پارادایم از آن صحبت می‌کنیم، با کدام مدل می‌خواهیم بررسی‌اش کنیم، و چه هدف‌های معینی را از طریق آن پیگیری می‌کنیم. اما هیچ‌کدام از این موارد برای پیشرفت لازم‌الرعایه نیست. سند فاقد این ترمینولوژی قابل دفاع علمی است؛ بنابراین از حیث الزامات توسعه نمی‌شود نقدش کرد.

همچنین واژه‌ی پیشرفت از لحاظ علمی مبهم و غیر گویاست؛ زیرا علم یک سیستم معرفتی است که متکی به دستگامی ارتباطی به نام زبان است و در زبان علمی واژه‌ها باید به‌دقت تعریف شوند و اگر این نکته در آن رعایت نشود، اجماع بر سر مفاهیم و دلالت‌های آن ناممکن خواهد بود. به همین لحاظ هر گزاره‌ای که فاقد این شرط باشد، گزاره‌ی علمی محسوب نمی‌شود و از لحاظ علمی نمی‌توان آن را به محک نقد زد.

اکنون بیایید فرض کنیم که این واژه‌ی پیشرفت همان معنای توسعه را می‌رساند و نیت تهیه‌کنندگان سند همان چیزی است که ما از آن توسعه می‌فهمیم. در چنین حالتی مشکل اصلی این خواهد بود که سندی که برای ۵۰ سال آینده تدوین شده و باید مبتنی بر مطالعات روندپژوهی و آینده‌پژوهی باشد، هیچ استنادی و هیچ ارجاعی به این قبیل مطالعات ضروری ندارد. در حالی که یک سند توسعه‌ای باید مستخرج از مطالعات متعددی باشد که نه فقط وضع فعلی ایران، بلکه باید بتواند روند و مسیر حرکت این جامعه و آینده‌ی آن را ترسیم و تصویر کند.

در مقدمه‌ی سند، تهیه‌کنندگان آن اشاره به مطالعات متعدد انجام‌شده دارند، ولیکن هیچ جای سند هیچ ارجاعی وجود ندارد که واقعاً نشان دهد آیا مطالعات مورد ادعا اصلاً انجام شده است یا نه. بنابراین آنچه سند بیان می‌کند، در واقع تصویرگر یک جهان خیالی است و مطالب آن هیچ اتکایی به واقعیت‌های وضع موجود و روندهای احصاشده‌ی مربوط به آن ندارد. نقطه‌ی عزیمت سند پیشرفت اصلاً مشخص نیست. سند مسیر و روند حرکت جامعه‌ی ایران و آینده‌ی این جامعه را تصویر نکرده است و مطالب مندرج در آن طوری است که می‌توان آن را برای هر کشور مفروض دیگری هم به کار برد و تجویز کرد.

تمام توصیه‌های مثلاً عالمانه و پیش‌بینانه‌ی سند این است که در جامعه‌ی ۵۰ سال آینده (۱۴۴۴) ایران باید بر مبنای قرآن و سنت اداره شود که این در واقع جزو اهداف اولیه‌ی انقلاب اسلامی بوده، گو آنکه تاکنون و به رغم گذشت چهل سال هنوز محقق نشده است. سند انگار



می‌خواهد در سال افق (۱۴۴۴) که نزدیک یک قرن از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته، تازه هدف‌های انقلاب اسلامی را محقق ساخته و به مردم و نسل‌هایی که از یک قرن پیش زیر لوای حکومت اسلامی پرورش یافته‌اند، یادآوری کند و بیاموزد که اساس اداره‌ی جامعه یا اساس شکل‌گیری مناسبات اجتماعی در جامعه باید بر مبنای قرآن و سنت باشد.

حال بپردازیم به تدابیر: در سند پیشرفت ۵۶ تدبیر پشت سر هم و بدون دسته‌بندی و عرصه‌بندی موضوعی و بدون هرگونه ترتیب و انتظام قابل تشخیص آورده شده است. در واقع هیچ تفکیک موضوعی‌ای میان عرصه‌ی سیاست از عرصه‌ی اقتصاد یا عرصه‌ی فرهنگ از عرصه‌ی اجتماعی در سند پیشرفت صورت نگرفته است. مطالبی که در این تدابیر بیان شده، اولاً معطوف به مشکل خاصی نیست، بلکه همه‌ی آن‌ها کلی‌گویی است و تدابیر بدون تکیه بر جنبه‌های مشخصی که در این جامعه در شرایط حاضر مسئله‌آفرین محسوب می‌شود، تدوین شده است. اگر با حوصله این تدابیر را بررسی کنیم، حداقل ۵۶۰ غلط واژگانی، مضمونی و هدف‌گذاری می‌شود در آن یافت؛ یعنی هر تدبیر بیشتر از دلالت‌های چاره‌اندیشانه، خود بازگوی بدفهمی‌های غیر قابل توجیه برنامه‌گرایانه است.

مشکل اصلی سند آن است که کشورهای دیگر و روابط بین‌المللی را اصلاً به حساب نیاورده است. جامعه‌ی ایران که مد نظر سند است، بر طبق دلالت‌های سند پیشرفت هیچ‌گونه مناسباتی با هیچ جای دیگر جهان ندارد و گویا سند برای کشور تک‌افتاده‌ای در کره‌ی مریخ تنظیم شده است. برای مثال، قرار است ایران در سال‌های آتی در علم رتبه‌ی چهارم، در دانش رتبه‌ی هفتم، و در تکنولوژی و اقتصاد رتبه‌ی دهم را به دست آورد، ولی معلوم نیست بر چه اساسی، با استفاده از کدام ظرفیت‌ها، از چه طریقی، و در رقابت با کدام جوامع معین و مفروضی. و این رتبه‌بندی‌ها از مقایسه با کدام کشورها و با چه شرایط و امکانات داده‌شده‌ای به دست خواهد آمد.

امروزه کشور ایران از حیث محیط‌زیست دچار مشکلات عدیده است، از منظر آب بحران جدی داریم. رئیس سازمان محیط‌زیست می‌گوید: «اگر این وضعیت همچنان ادامه پیدا کند، ۵۰ میلیون نفر تا ۱۰ سال دیگر باید ایران را ترک کنند؛ چون آبی برای نوشیدن ندارند.» در حالی که سند در برابر این مهم کاملاً مسکوت و به آن کاملاً بی‌اعتناست. همچنین سند متکی به هیچ محاسبات کمی در مورد آینده نیست. برای مثال اصلاً معلوم نیست جمعیت فعلی ایران در ۵۰ سال آینده چه تعداد خواهد شد. این جمعیت در کجاها اسکان می‌یابند. چه بخشی از آن در شهرها و چه قسمتی در روستاها سکونت خواهند داشت. وضعیت روستاها در افق سند

چه خواهد بود. وضعیت شهرها چطور. چه تعداد کلان‌شهر در کشور وجود خواهد داشت و چه جمعیتی را در خود جای خواهند داد. و ابهامات فراوان دیگری از این دست.

نتیجه‌گیری

مطالب و محتوای سند پیشرفت هیچ اتکایی به وضع موجود جامعه‌ی ایران ندارد. تدابیر مطرح‌شده در آن معطوف به مشکل خاصی نیست و روند و مسیر حرکت جامعه نامشخص و آینده‌ی جامعه‌ی ایران در آن به تصویر کشیده نشده است. و در آخر می‌توان گفت این سند برای جهانی خیالی و غیرواقعی طراحی شده است؛ زیرا متناسب با واقعیات کنونی جامعه‌ی ایران نیست و به تمام معنا غیرکاربردی، غیر واقع‌بینانه و غیر قابل اجرا در شرایط اجتماعی - تاریخی کشور، به‌ویژه با توجه به تعاملات بین‌المللی گریزناپذیر و اجتناب‌ناپذیر است.

